



امام علی(ع) تربیت یافته مکتب پیامبر(ص)/ آیا امام هنگام بعثت کنار پیامبر بود

امام علی(ع) در مورد تربیت خود توسط پیامبر اسلام(ص) می فرمایند: من به سان بچه ناقه ای که به دنبال مادر خود می رود در پی پیامبر می رفتم؛ هر روز یکی از فضایل اخلاقی خود را به من تعلیم می کرد و دستور می داد که از آن پیروی کنم.

خبرگزاری مهر - امام علی(ع) در مورد تربیت خود توسط پیامبر اسلام(ص) می فرمایند: من به سان بچه ناقه ای که به دنبال مادر خود می رود در پی پیامبر می رفتم؛ هر روز یکی از فضایل اخلاقی خود را به من تعلیم می کرد و دستور می داد که از آن پیروی کنم.

هنگامی که به امام علی(ع) خبر رسید بنی امیه او را متهم به شرکت در قتل عثمان کرده اند فرمود: «مگر آگاهی بنی امیه از صفات و روحیات من آنان را از عیب جوئی من باز نداشته است؟ و مگر هنوز سابقه من در اسلام، آنان را از تهمت بر من بر کنار نساخته است؟ پند و اندرزهای خداوند از گفتار من رساتر است، من با «مارقین» (آنان که از دین خارج می شوند) محاجه می کنم و دشمن آشتی ناپذیر کسانی هستم که پیمان الهی را می شکنند و در حقایق اسلام تردید می کنند. متشابهات (و آنچه مبهم است) باید در پرتو (محکمت) کتاب خدا روشن گردد و بندگان به آنچه در دل دارند پاداش داده می شوند.»

از نظر روانشناسان، شخصیت هر فردی متشکل از سه عامل مهم است که هر یک در انعقاد و تکون شخصیت تأثیر بسزایی دارد و گویی روحیات و صفات و طرز تفکر انسان همچون مثلی است که از پیوستن این سه ضلع به یکدیگر پدید می آید. این سه عامل عبارتند از: وراثت، آموزش و پرورش و محیط زندگی.

صفات خوب و بد آدمی و روحیات عالی و پست او به وسیله این سه عامل پی ریزی می شود و رشد و نمو می کند. درباره عامل وراثت سخن کوتاه اینکه فرزندان ما نه تنها صفات ظاهری را، مانند شکل و قیافه، از ما به ارث می برند، بلکه روحیات و صفات باطنی پدر و مادر نیز از طریق وراثت به آنان منتقل می شود. آموزش و پرورش و محیط، که دو ضلع دیگر شخصیت انسان را تشکیل می دهند، در پرورش سجایای عالی که دست آفرینش در نهاد آدمی به ودیعت نهاده و یا تربیت صفاتی که کودک از پدر و مادر به وراثت برده است نقش مهمی دارند. یک آموزگار می تواند سرنوشت کودکی و یا کلاسی را تغییر دهد. و بسا که محیط، افراد آلوده را پاک و یا افراد پاک را آلوده می سازد. قدرت این دو عامل در شکل دادن به شخصیت آدمی چنان مسلم و روشن است که خود را از توضیح درباره آن بی نیاز می دانیم. البته نباید فراموش کرد که در ورای این امور سه گانه و مشرف و مسلط بر آن ها اراده و خواست انسان قرار گرفته است.

شخصیت موروثی امام علی(ع)

امیرمؤمنان از صلب پدری چون ابوطالب دیده به جهان گشود. ابوطالب بزرگ بطحاء (مکه) و رئیس بنی هاشم بود. سراسر وجود او، کانونی از سماحت و بخشش، عطوفت و مهر، جانبازی و فداکاری در راه آیین توحید بود. در همان روزی که عبدالمطلب جد پیامبر در گذشت، آن حضرت هشت سال تمام داشت. از آن روز تا چهل و دو سال بعد، ابوطالب حراست و حفاظت پیامبر را، در سفر و حضر، برعهده گرفت و با عشق و علاقه بی نظیری در راه هدف مقدس پیامبر که گسترش آیین یکتا پرستی بود جانبازی و فداکاری کرد. این حقیقت در بسیاری از اشعار مضبوط در دیوان ابوطالب منعکس شده است؛ همچون: لیعلم خیار الناس ان محمداً نبی کموسی و المسیح بن مریم: افراد پاک و خوش طینت باید بدانند که محمد(ص) پیامبری است همچون موسی و عیسی(ع). الم تعلموا انا وجدنا محمداً رسولا کموسی خط فی اول الکتب: آیا نمی دانید که محمد(ص) همچون موسی (پیامبری آسمانی) است و پیامبری او در سرفرازی کتابهای آسمانی نوشته شده است؟ یک چنین فداکاری، که به زندانی شدن تمام بنی هاشم در میان دره ای خشک و سوزان منجر شد، نمی تواند انگیزه ای جز عشق به هدف و علاقه عمیق به معنویت داشته باشد، و علایق خویشاوندی و سایر عوامل مادی نمی تواند یک چنین روح ایثاری در انسان پدید آورد.

دلایل ایمان ابوطالب به آیین برادرزاده خود به قدری زیاد است که توجه قاطبه محققان بی نظر را به خود جلب کرده است. متأسفانه گروهی، از روی تعصبات بیجا، در مرز توقف درباره ابوطالب باقی مانده اند و گروه دیگر جسارت را بالاتر برده، او را یک فرد غیر مؤمن معرفی کرده اند. حال آن که اگر جزئی از دلایلی که درباره اسلام ابوطالب در کتاب های تاریخ و حدیث موجود است درباره شخص دیگری وجود می داشت، در ایمان و اسلام او برای احدی جای تردید و شک باقی نمی ماند، اما انسان نمی داند که چار این همه دلایل نتوانسته است قلوب بعضی را روشن سازد!

مادر وی، فاطمه، دختر اسد فرزند هاشم است. وی از نخستین زنانی است که به پیامبر ایمان آورد و پیش از بعثت از آیین ابراهیم(ع) پیروی می کرد. او همان زن پاکدامنی است که به هنگام شدت یافتن درد زایمان راه مسجد الحرام را پیش گرفت و خود را به دیوار کعبه نزدیک ساخت و چنین گفت: خداوند، به تو و پیامبران و کتاب هایی که از طرف تو نازل شده اند و نیز به

سخن جدم ابراهیم سازنده این خانه ایمان راسخ دارم، پروردگارا! به پاس احترام کسی که این خانه را ساخت و به حق کودکی که در رحم من است، تولد این کودک را بر من آسان فرما. لحظه ای نگذشت که فاطمه به صورت اعجاز آمیزی وارد خانه خدا شد و در آنجا وضع حمل کرد. این فضیلت بزرگ را قاطبه محدثان و مورخان شیعه و دانشمندان علم انساب در کتاب های خود نقل کرده اند. در میان دانشمندان اهل تسنن نیز گروه زیادی به این حقیقت تصریح کرده، آن را یک فضیلت بی نظیر خوانده اند. حاکم نیشابوری می گوید: ولادت علی در داخل کعبه به طور تواتر به ما رسیده است. آلوسی بغدادی صاحب تفسیر معروف می نویسد: تولد علی در کعبه در میان ملل جهان مشهور و معروف است و تاکنون کسی به این فضیلت دست نیافته است.

اگر مجموع عمر امام علی(ع) را به پنج بخش قسمت کنیم، نخستین بخش آن را زندگی امام پیش از بعثت پیامبر تشکیل می دهد. عمر امام در این بخش از ده سال تجاوز نمی کند، زیرا لحظه ای که حضرت علی(ع) دیده به جهان گشود بیش از سی سال از عمر پیامبر(ص) نگذشته بود و پیامبر در سن چهل سالگی به رسالت مبعوث شد. حساس ترین حوادث زندگی امام در این بخش همان شکل گیری شخصیت حضرت علی(ع) و تحقق ضلع دوم از مثلث شخصیت وی به وسیله پیامبر است. این بخش از عمر، برای هر انسانی، از لحظه های حساس و ارزنده زندگی او شمرده می شود. شخصیت کودک در این سن، همچون برگ سفیدی، آماده پذیرش هر شکلی است که بر آن نقش می شود و این فصل از عمر، برای مربیان و آموزگاران، بهترین فرصت است که روحیات پاک و فضایل اخلاق کودک را که دست آفرینش در نهاد او به ودیعت نهاده است پرورش دهند و او را با اصول انسانی و ارزش های اخلاقی و راه و رسم زندگی سعادت مندان آشنا سازند.

پیامبر عالی قدر اسلام(ص) به همین هدف عالی، تربیت حضرت علی(ع) را پس از تولد او به عهده گرفت. هنگامی که مادر حضرت علی(ع) نوزاد را خدمت پیامبر آورد با علاقه شدید آن حضرت نسبت به کودک روبرو شد. پیامبر از وی خواست که گهواره حضرت علی را در کنار رختخواب او قرار دهد از این جهت، زندگانی امام از روزهای نخست با لطف خاص پیامبر توأم شد. نه تنها پیامبر گهواره حضرت علی را در موقع خواب حرکت می داد، بلکه در مواقعی از روز بدن او را می شست و شیر در کام او می ریخت، و در موقع بیداری با او با کمال ملاطفت سخن می گفت. گاهی او رابه سینه می فشرد و می گفت: این کودک برادر من است و در آینده ولی و یاور و وصی و همسر دختر من خواهد بود. به سبب علاقه ای که به حضرت علی داشت هیچ گاه از او جدا نمی شد و هر موقع از مکه برای عبادت به خارج شهر می رفت حضرت علی(ع) را همچون برادر کوچک یا فرزند دلبندی همراه خود می برد. هدف از این مراقبتها این بود که دومین ضلع مثلث شخصیت حضرت علی(ع) که همان تربیت است، به وسیله او شکل گیرد و هیچ کس جز پیامبر در این شکل گیری مؤثر نباشد.

امیرمؤمنان(ع) در سخنان خود خدمات ارزنده پیامبر(ص) را یاد کرده، می فرماید: و قد عملتم موضع من رسول الله(ص) بالقرابه القریبه و المنزل الخصیصه، وضعنی فی حجره و انا ولد یضمنی الی صدره و یکنفی فی فراشه و یمسني جسد و یشمنی عرفه و کان یمضغ ثم یلقمنیه: شما ای یاران پیامبر، از خویشاوندی نزدیک من با رسول خدا و مقام (احترام) مخصوصی که نزد آن حضرت داشتم کاملاً آگاه هستید و می دانید که من در آغوش پر مهر او بزرگ شده ام؛ هنگامی که نوزاد بودم مرا به سینه خود می گرفت و در کنار بستر خود از من حمایت می کرد و دست بر بدن من می مالید، و من بوی خوش او را استشمام می کردم و او غذا در دهان من می گذاشت.

پیامبر اکرم(ص) حضرت علی(ع) را به خانه خود می برد. از آنجا که خدا می خواهد ولی بزرگ دین او در خانه پیامبر بزرگ می شود و تحت تربیت رسول خدا قرار گیرد، توجه پیامبر را به این کار معطوف می دارد. مورخان اسلامی می نویسند: خشکسالی عجیبی در مکه واقع شد. ابوطالب، عمومی پیامبر، با عایله و هزینه سنگینی روبرو بود. پیامبر با عمومی دیگر خود، عباس، که ثروت و مکتب مالی او بیش از ابوطالب بود به گفتگو پرداخت و هر دو توافق کردند که هر کدام یکی از فرزندان ابوطالب را به خانه خود ببرد تا در روزهای قحطی گشایشی در کار ابوطالب پدید آید. از این جهت عباس، جعفر را و پیامبر اکرم(ص) حضرت علی(ع) را به خانه خود بردند. این بار که امیرمؤمنان به طور کامل در اختیار پیامبر قرار گرفت از خرمن اخلاق و فضایل انسانی او بهره های بسیار برد و موفق شد تحت رهبری پیامبر به عالی ترین مدارج کمال خود برسد. امام(ع) در سخنان خود به چنین ایام و مراقبت های خاص پیامبر اشاره کرده، می فرماید: و لقد كنت اتبعه اتباع الفصيل اثر أمه یرفع لی کل یوم من اخلاقه علما و یا مرنی بالاعتداء به: من به سان بچه ناقه ای که به دنبال مادر خود می رود در پی پیامبر می رفتم؛ هر روز یکی از فضایل اخلاقی خود را به من تعلیم می کرد و دستور می داد که از آن پیروی کنم.

حضرت علی(ع) در غار حرا

پیامبر اسلام(ص) پیش از آنکه مبعوث به رسالت شود، همه ساله یک ماه تمام را در غار حرا به عبادت می پرداخت و در پایان ماه از کوه سرازیر می شد و یکسره به مسجدالحرام می رفت و هفت بار خانه خدا را طواف می کرد و سپس به منزل خود باز می گشت.

در اینجا این سؤال پیش می آید که با عنایت شدیدی که پیامبر نسبت به حضرت علی داشت آیا او را همراه خود به آن محل عجیب عبادت و نیایش می برد یا او را در این مدت ترک می گفت؟ قراین نشان می دهد از هنگامی که پیامبر اکرم(ص) را به خانه خود برد هرگز روزی او را ترک نگفت. مورخان می نویسند: علی آنچنان با پیامبر همراه بود که هرگاه پیامبر از شهر خارج می شد و به کوه و بیابان می رفت او را همراه خود می برد. ابن ابی الحدید می گوید: احادیث صحیح حاکی است که وقتی جبرئیل برای نخستین بار بر پیامبر نازل شد و او را به مقام رسالت مفتخر ساخت علی در کنار حضرتش بود.

آن روز از روزهای همان ماه بود که پیامبر برای عبادت به کوه حرا رفته بود. امیرمؤمنان، خود در این باره می فرماید: و لقد کان یجاور فی کل سنه بحراء فأراه ولایراه غیری: پیامبر هر سال در کوه حرا به عبادت می پرداخت و جز من کسی او را نمی دید. این جمله اگر چه می تواند ناظر به مجاورت پیامبر در حرا در دوران پس از رسالت باشد ولی قراین گذشته و اینکه مجاورت پیامبر در حرا غالباً قبل از رسالت بوده است تأیید می کند که این جمله ناظر به دوران قبل از رسالت است.

طهارت نفسانی حضرت علی(ع) و پرورش پیگیر پیامبر از او سبب شد که در همان دوران کودکی، با قلب حساس و دیده نافذ و گوش شنوا خود، چیزهایی را ببیند و اصواتی را بشنود که برای مردم عادی دیده و شنیدن آنها ممکن نیست؛ چنان که امام، خود در این زمینه می فرماید: أری نور الوحی و الرساله و أشم ریح النبوه: من در همان دوران کودکی، به هنگامی که در حرا کنار پیامبر بودم، نور وحی و رسالت را که به سوی پیامبر سرازیر بود می دیدم و بوی پاک نبوت را از او استشمام می کردم.

امام صادق(ع) می فرماید: امیر مؤمنان(ع) پیش از بعثت پیامبر اسلام(ص) نور رسالت و صدای فرشته وحی را می شنید. در لحظه بزرگ و شگفت تلقی وحی پیامبر(ص) به حضرت علی(ع) فرمود: اگر من خاتم پیامبران نبودم پس از من تو شایستگی مقام نبوت را داشتی، ولی تو وصی و وراث من هستی، تو سرور اوصیا و پیشوای متقیانی. امیر مؤمنان درباره شنیدن صداهای غیبی در دوران کودکی چنین می فرماید: هنگام نزول وحی بر پیامبر صدای ناله ای به گوش من رسید: به رسول خدا عرض کردم این ناله چیست؟ فرمود: این ناله شیطان است و علت ناله اش این است که پس از بعثت من از اینکه در روی زمین مورد پرستش واقع شود نومید شد. سپس پیامبر رو به حضرت علی کرد و گفت: انک تسمع ما أسمع و تری ما أری إلا أنک لست بنبی و لکنک لوزیر.